

زورنال

شماره ۹۷۳

۲۶ فوریه ۲۰۲۵ - ۸ اسفند ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال:

جنگ یا مذاکره، سیر اوضاع به چه سمت است؟

گفتگو با حمید تقوایی

آیا رئیس ساواک در دام عدالت گرفتار می‌شود؟

کیوان جاوید

حاشیه‌نشینی و فقر ثمره جمهوری اسلامی

رضا درویش

خامنه‌ای، کارت بازی در مذاکره پوتین و ترامپ

محسن ابراهیمی

جنگ یا مذاکره، سیر اوضاع به چه سمت است؟

گفتگو با حمید تقوایی

محسن ابراهیمی: بعد از اعلام تشدید تحریم‌ها از جانب ترامپ و لحن تندتر او درباره اینکه جمهوری اسلامی نباید اتمی شود، خامنه‌ای از بی‌اعتمادی به آمریکا و آمادگی جمهوری اسلامی برای مقابله "تهدیدات سخت‌افزاری" سخن گفت و رجزخوانی‌ها علیه آمریکا شروع شد. فرماندهان سپاه از آمادگی مقابله با اسرائیل و آمریکا و عملی شدن وعده صادق ۳ حرف می‌زنند. آیا راه مذاکره و تعامل با آمریکا و غرب بسته شده و خطر حمله نظامی به برنامه‌های هسته‌ای و جنگ میان اسرائیل با حمایت آمریکا و جمهوری اسلامی جدی‌تر شده است؟

حمید تقوایی: به نظر من باید بین تبلیغات و رجزخوانی‌های جنگی، و عملکرد حکومت تمایز قائل شد. همانطور که اشاره کردید این رجزخوانی‌ها بعد از فرمان تشدید تحریم‌ها از جانب ترامپ شروع شد؛ اما این فقط برای حفظ ظاهر است. جمهوری اسلامی عملاً ناگزیر است نه تنها به مذاکره تن بدهد؛ بلکه بسیاری از شرایط دولت آمریکا را بپذیرد. مشکل جمهوری اسلامی تنها مخالفت غرب با پروژه هسته‌ای و یا ازدست‌دادن نفوذ منطقه‌ای‌اش نیست. اگر چنین بود می‌توانستند همچنان بر طبل مرگ بر شیطان بزرگ بکوبند و همان سیاست نه جنگ نه مذاکره خامنه‌ای را ادامه بدهند. مشکل حکومت اساساً فروپاشی اقتصادی و وضعیت انفجاری جامعه است. چرخ اقتصاد رو به توقف کامل است، ریال با سرعتی سرسام‌آور در حال سقوط و قیمت‌ها با شتابی

بی سابقه روبه افزایش است.

حکومت حتی از تأمین ابتدائیات زندگی مردم عاجز است و جامعه را عملاً به تعطیلی کشیده است. این وضعیت قابل ادامه نیست. دولت پزشکیان حتی در حرف هم مدعی پاسخگوئی و حتی تخفیف بحران و بن بست کامل حکومت نیست. همه حکومتی‌ها، حتی خامنه‌ای و سرسخت‌ترین طرف‌دارانش، می‌دانند شرایط انفجاری است و برای نجات حکومت خود باید راه چاره‌ای پیدا کنند. این "راه چاره" چیزی به جز مذاکره با آمریکا و تخفیف فشارهای غرب نمی‌تواند باشد. همه می‌دانند بدون دست شستن از پروژه هسته‌ای و درجه‌ای از تعامل با غرب ابر بحران اقتصادی-سیاسی-اجتماعی که با آن دست‌به‌گریبان هستند شدیدتر خواهد شد. اما مشکلشان این است

که این امر ضربه‌ای به هویت ایدئولوژیک سیاسی حکومت خواهد بود و این به نوبه خود موقعیت لرزان حکومت در خود ایران را سست‌تر و ضعیف‌تر خواهد کرد. به نظر من جمهوری اسلامی در یک موقعیت باخت‌باخت قرار گرفته؛ ولی نهایتاً ناگزیر خواهد بود راه تعامل با غرب را برگزیند. به نظر من سیاست "نه جنگ نه مذاکره" رژیم شکل "مذاکره عملی، جنگ لفظی" را به خود خواهد گرفت. یعنی "نرمش قهرمانانه" بعلاوه تبلیغات ضد اسرائیلی ضد آمریکایی با این امید که سقوط آزاد ریال و گرانی و تورم تخفیف پیدا کند و درعین حال در تبلیغات با سیلی صورتش را سرخ نگاه دارد. البته این "راه حل" هم، حتی در کوتاه‌مدت، در ضعف و درماندگی حکومت و شرایط انفجاری جامعه تخفیفی نخواهد داد.

تا آنجا که به خطر حمله نظامی مربوط می‌شود به نظر من در حال حاضر این در دستور دولت آمریکا نیست. ترجیح ترامپ این است که با تشدید فشار اقتصادی جمهوری اسلامی را به پای میز مذاکره بکشد و شرایطش را به او تحمیل کند. اسرائیل هم بدون تأیید آمریکا دست به اقدامی نخواهد زد. به نظر من این روندی که شروع شده نهایتاً به مذاکره و تسلیم جمهوری اسلامی ختم خواهد شد.

اما مهم‌ترین نکته این است که سیر اوضاع هرچه باشد، مذاکره و تعامل و یا حمله نظامی، بحران وجودی حکومت پایان نخواهد یافت. نه بن بست اقتصادی و گرانی و تورم و فقر و فلاکت ناشی از آن با حکومت ترامپ شروع شده و نه نوع این رابطه می‌تواند سایه سیاه فقر و فساد و گرانی را از سر مردم کم کند.

سرنوشت جمهوری اسلامی را نه مناسباتش با غرب بلکه رابطه‌اش با جامعه ایران، رابطه‌ای که بر نفرت مردم از حکومت سرکوب کشتار و جنایت است، رقم خواهد زد و این مردم ایران هستند که می‌توانند با سرنگونی جمهوری اسلامی بر چرخه جهنمی فقر و گرانی و فساد و سرکوب و کشتار نقطه پایان بگذارند.

آیا رئیس ساواک در دام عدالت گرفتار می‌شود؟

کیوان جاوید

سه تن با طرح شکایت از پرویز ثابتی، قائم‌مقام ساواک در دادگاهی در شهر اورلاندو ایالت فلوریدا آمریکا خواستار غرامت ۲۲۵ میلیون دلاری شدند.

پرویز ثابتی شکنجه‌گر ارشد شاه چند دهه از دیده‌ها پنهان بود، اما چند ماه بعد از شروع اعتراضات زن زندگی آزادی در تجمع شهر میامی علنی شد تا جان تازه‌ای به سلطنت‌طلبان و رضا پهلوی بدهد. همین علنی شدن پرویز ثابتی باعث شد موجی از افشاگری از حکومت پهلوی و سلطنت‌طلبان و ساواک پا بگیرد. این سه زندانی سیاسی دوران شاه می‌گویند که

”هدفشان تنها دریافت غرامت نیست، بلکه جلوگیری از عادی‌سازی جنایات گذشته و افشای نقش افرادی مانند ثابتی در تاریخ معاصر ایران است.“

اگر انقلاب زن زندگی آزادی و نبرد سرنوشت‌ساز جامعه با حکومت اسلامی به‌منظور سرنگونی این رژیم در چنین ابعاد عظیمی مطرح نبود؛ اگر در دل همین انقلاب قدرت اتحاد و خواست‌های انسانی و آزادیخواهانه و برابری‌طلبانه در چنین وسعت عظیمی در جامعه ایران و در تظاهرات‌های خارج کشور مطرح نمی‌شد، دیگر نیازی نبود پرویز ثابتی علنی شود و به سلطنت‌طلب فرصت بدهد یک‌بار دیگر شعار ”مرگ بر چپی“ سر بدهند و خواب محاکمه و اعدام چپی‌ها را در آینده ببینند.

حالا طبیعتاً پرویز ثابتی باید در دادگاهی در شهر میامی حضور یابد و در برابر هیئت منصفه و قاضی از خود دفاع کند. صدها زندانی سیاسی زمان شاه می‌توانند در این دادگاه شهادت بدهند که بر آنها چه گذشته است و قائم مقام ساواک، رئیس اداره سوم ساواک محمدرضا پهلوی چه‌ها که با آنها نکرده است.

با محاکمه ثابتی در این دادگاه و رو شدن همه شواهد جنایت ساواک می‌توان به روشنی مشاهده کرد که پدیده دیکتاتوری و نظام دیکتاتوری مربوط به اقتصاد سیاسی است و یک‌بار دیگر ثابت می‌شود که دیکتاتوری عریان و کشتار و شکنجه و زندان یک بیماری سادیستی توسط حاکمیت نیست، بلکه پدیده‌ای است برای خاموش و مرعوب کردن مردم

برای حفظ استعمار یک اقلیت مفت‌خور سرمایه‌دار.
از این دریچه نیز می‌توان به برنامه رضا پهلوی در
صورت تحقق فرضی رؤیای ملوکانه‌اش در آینده
پی برد که دیکتاتوری پشت دیکتاتوری در تاریخ
صدساله ایران مورثی شده است و اینکه تنها راه
برای پایان کشتار و دیکتاتوری، حاکمیت شوراهای
شهروندان و برقراری آزادی و برابری و لغو بردگی
مزدی است.

حاشیه‌نشینی و فقر ثمره جمهوری اسلامی

رضا درویش

عبدالرضا گلپایگانی معاون وزیر راه و شهرسازی در گفتگویی که پنجم اسفند منتشر شده مسئله حاشیه‌نشینی را جدی دانسته و وضعیت استان‌های خراسان (عمدتاً شهر مشهد)، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، خوزستان و استان تهران را بحرانی خوانده است. او گفته در درون شهر تهران هم شاهد رشد حاشیه‌نشینی هستیم.

حلبی‌آبادها از جلوه‌های شاخص حاشیه‌نشینی هستند. کارشناسان عواملی از قبیل مشکل مسکن، خشکسالی در نواحی شرقی، ناامنی کشور همسایه افغانستان را به‌عنوان دلایل حاشیه‌نشینی مطرح

می‌کنند. اما هیچ‌کدام از عامل اصلی گسترش فقر یعنی نظامی که نابرابری و ستم و بی‌عدالتی را در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی همه‌روزه تولید و باز تولید می‌کند چیزی نمی‌گویند.

این کارشناسان از عدم رعایت ضوابط ساخت‌وساز می‌گویند و نگران آسیب‌هایی از قبیل زلزله هستند (که البته در جای خود قابل‌بحث است). اما اگر جابه‌جایی لایه‌های زمین موجب زلزله می‌شود رانده‌شدن لایه‌هایی از اقشار و طبقات اجتماعی به حاشیه شهرها معنایش این است که میلیون‌ها انسان زیر فشار نابرابری و بی‌عدالتی فقیرتر شده‌اند. این کارشناسان همچنین از عاملی نظیر ناامنی در همسایه شرقی (افغانستان) می‌گویند که نه فقط گمراه‌کننده بلکه اساساً نژادپرستانه

است. امروز اکثریت مردم می‌دانند که عامل ناامنی اقتصادی و سیاسی و تشدید فقر و محروم ساختن تعداد هر چه بیشتری از اقشار آسیب‌پذیر از امکانات اولیه برای زندگی همانا حاکمان غارتگر و دستجات تبه‌کار وابسته به آنها هستند که در دزدی و چپاول سیرایی ندارند.

آنچه مسلم است گسترش فقر زیر سایه منحوس جمهوری اسلامی به شکل حاشیه‌نشینی محدود نمی‌شود. وزیر تعاون در شهریورماه سال جاری رسماً اعلام کرد که ۳۰ درصد از جمعیت کشور زیر خط فقر قرار دارند. او همچنین گفت که "از بین بردن فقر مطلق یک آرمان و هدف است." ادعای پوچی که کذب محض است. از بین بردن فقر به طور اعم در این نظام جرم جنایت حتی در

حد شعار هم مطرح نیست.

جمهوری اسلامی عامل اصلی در ایجاد کوهی از مشکلات معیشتی شده است که فشار طاقت فرسایی را به اکثریت میلیونی مردم ایران تحمیل کرده است. صدایی که امروز در این کوه طنین انداز شده فریاد خشم ارتش محرومان و گرسنگانی است که ناپلئون می گفت از این ارتش بیش از هر ارتشی می هراسد.

خامنه‌ای، کارت بازی در مذاکره پوتین و ترامپ

محسن ابراهیمی

سه‌شنبه ۷ اسفند وزیر خارجه روسیه به تهران سفر کرد و با وزیر خارجه حکومت اسلامی دیدار کرد. در نشست مطبوعاتی مشترک، عراقچی اعلام کرد: "هیچ امکان مذاکره مستقیم بین ما و آمریکا در موضوع هسته‌ای، تا زمانی که فشار حداکثری به این شکل خودش اعمال خواهد شد، وجود نخواهد داشت." و تأکید کرد که جمهوری اسلامی حرکت و سیاست‌هایش را "با همکاری و هماهنگی دوستان خود در روسیه و چین" پیش خواهد برد! وزیر خارجه روسیه اما اعلام کرد "معتقدیم که ظرفیت دیپلماسی هنوز هم وجود دارد و باید از آن بدون تهدیدها و

توسل به زور به صورت مؤثر استفاده کرد.“

لاورف بعد از ملاقات با مارک روبیو وزیر خارجه آمریکا در عربستان و مکالمه تلفنی پوتین و ترامپ، حتماً حامل پیامی از ترامپ در باره تسلیم کامل خامنه‌ای و همچنین حامل پیامی از پوتین بوده است که انتظار دارد به عنوان کارت پوتین بازی کند. لاورف حتماً از طریق عراقچی به گوش خامنه‌ای رسانده است که ترامپ به کمتر از دست کشیدن جمهوری اسلامی از رؤیای اتمی شدن و برنامه‌های موشکی و محور مقاومتی راضی نخواهد شد و حکومت اسلامی راهی جز تسلیم ندارد. همچنین لاورف حتماً عراقچی را شیرفهم کرده است که اولویت پوتین خارج شدن از باتلاق اوکراین به عنوان یک تجاوزگر پیروز همراه

با الحاق اراضی اشغال شده به روسیه است و امروز کارت جمهوری اسلامی باید به این هدف خدمت کند! منظور "دوست روسی" از "ظرفیت دیپلماسی هنوز وجود دارد" همین است.

با این حساب تأکید عراقچی بر اینکه جمهوری اسلامی حرکت و سیاست‌هایش را "با همکاری و هماهنگی دوستان خود در روسیه و چین" پیش خواهد برد، هیچ چیز نیست جز یک ژست توخالی دیپلماتیک در کنار رجزخوانی‌های خامنه‌ای و دار و دسته‌اش با هدف سرخ نگه داشتن صورت رنگ پریده خامنه‌ای.

با توجه به اقتصاد ورشکسته، مردم در کمین نشسته،

محور مقاومت متلاشی شده، و "دوستی" مثال پوتین،
خامنه‌ای راهی ندارد جز تسلیم در مقابل خواست‌های
آمریکا یا مواجهه شدن با "فشار حداکثری" ترامپ و
در صورت اصرار بر ساخت بمب هسته‌ای - با این
تصور که ضامن بقای سیاسی است - زمینه‌سازی
برای بمباران سایت‌های هسته‌ای. هیچ کدام از این
سناریوها نظام اسلامی را از مردم در کمین نشسته
نجات نخواهد داد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال